

شماره پرسش: ۲۲۲۵۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۰۵:۰۶:۳۰/۴/۱۳۹۷

متن پرسش

با تقدیم سلام و احترام و با تشکر از پاسخ ها: ۱. اینکه ملاصدرا قائل به حیثیت اندماجی و علامه طباطبایی به حیثیت سرابی و برخی قائل به حیثیت نفادی اند نمی شود هر سه با هم با تغییر زاویه دید جمع شوند؟ مثلا در یک مرتبه سالک برسد به فنای همه ماهیات و ماهیت حیث سرابی شود و در مرتبه ای که هنوز منیت هست بشود حد وجود. ۲. آیا می توان اندماج را جزو معقولات ثانی به حساب آورد؟ ۳. فرمودید اگر کسی اهل باشد اشارات تذکره الولیا را می فهمد چرا علی رغم اینکه استاد بنده عارفند و اهل فلسفه و عرفان با تذکره مخالفند؟ تا کجا باید بالا برویم تا اشارات را بگیریم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- این نوع تقسیم بندی ها به جهت آن است که ما با نگاه مفهومی و آموختنی به اشارات آن بزرگان می نگریم، وگرنه هرکدام از سخنان آنان در جای خود، وجهی از وجوه حقیقت را مدّ نظر ما قرار می دهند ۲- واژه ای اندماج واژه ای فلسفی نیست، باید نسبت به کاربردش آن را معنا کرد. آری! با نظر به مفهوم آن به «نعت خارج» می توان آن را جزو معقولات ثانویه فلسفی دانست. ۳- «خود راه بگویدت چون باید کرد». موفق باشید